

## تحلیل روابط معنایی واژگان به‌کاررفته در ادبیات داستانی کودکان ایرانی

رضا خیرآبادی\*      معصومه خیرآبادی\*\*

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی      دانشگاه تربیت مدرس تهران

چکیده

متن، حاصل هم‌نشینی نظام‌مند و بافت‌مدار سازه‌های زبانی در کنار یکدیگر است. بین واژگانی که یک متن را به وجود می‌آورند، روابط مختلفی برقرار است که به انسجام متن کمک می‌کنند. از آنجاکه بافت زبانی تأثیر زیادی بر درک مخاطبان از متن دارد، گزینش روابط مناسب بین واژه‌ها که بر معنای یکدیگر اثر می‌گذارند، می‌تواند از دشواری متن کاسته و به درک مطلب کمک کند. گزینش مناسب واژه و روابط واژگانی از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر رعایت نشود، نه تنها از جذابیت متن می‌کاهد، بلکه مخاطب را در درک آن نیز دچار مشکل می‌کند. این تحقیق با رویکردی زبان‌شناسانه و براساس مبانی نظری نقش‌گرایی به تحلیل میزان کاربرد هر یک از روابط معنایی بین واژگان در ده داستان کودکان متعلق به دو گروه سنی «الف» و «ب» پرداخته است. در این تحقیق که داده‌های آن به روش تصادفی نظام‌مند جمع‌آوری گردیده، پنج کتاب گروه سنی «الف» و پنج کتاب گروه سنی «ب» به لحاظ بسامد رخداد هر یک از انواع روابط واژگانی بررسی و با یکدیگر مقایسه شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان انواع روابط واژگانی، نویسندگان کودک در هر دو گروه سنی تمایل دارند از دو رابطه‌ی تکرار و باهم‌آیی بیش از روابط دیگر استفاده کنند؛ همچنین، برخلاف تصور، رابطه‌ی هم‌معنایی در هر دو گروه، کمترین بسامد را داشته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی، انسجام، داستان، روابط واژگانی، متن.

\* استادیار زبان‌شناسی همگانی rkheirabadi@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی kheirabadi.m@gmail.com

## ۱. مقدمه

نگارش متن برای مخاطبان کودک حساسیت بسیار دارد. نویسندگان باید نسبت به ویژگی‌های زبانی نوشته‌های خود، به‌گونه‌ای که برای کودکان قابل فهم باشند، دقت کافی را مبذول نمایند. گزینش واژه‌های متناسب با سن و به کارگیری ترکیبات صحیح در ایجاد شفافیت معنایی و بالابردن قابلیت خواندن<sup>۱</sup> اهمیت زیادی دارد. با توجه به ماهیت متون ادبی، به‌ویژه داستان‌های کودکان که خیال‌پردازی در آن‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، بهره‌گیری از واژه‌های مناسب، متن را برای کودک دلنشین‌تر کرده و درک آن را برای او که دایره‌ی واژگانش محدود است، آسان‌تر می‌کند. به اعتقاد محمدی (۱۳۷۸) برای اینکه پیام متن ادبی قابل فهم و معنا باشد، باید زبان یا رمزهای زبانی مشترکی بین مؤلف و مخاطب وجود داشته باشد. در صورت عدم فهم زبانی مشترک، رابطه‌ای ایجاد نمی‌شود و اگر زبان مشترک باشد، اما معنای پیام روشن نباشد، ارتباط ناقص ایجاد می‌شود؛ بنابراین، مؤلف متن ادبی کودکان، برای آنکه مخاطبانش پیام او را درک کنند، به ساده‌سازی زبان مشترک دست می‌زند. ساده‌سازی پیام، به‌طور همزمان، هم در سطح زنجیره‌ی مفاهیم و هم در سطح جمله‌بندی و انتخاب واژه‌ها انجام می‌شود.

علی‌رغم تفاوت‌های سبکی در استفاده از ساختارها و واژگان، متون تولیدشده برای گروه‌های سنی متفاوت باید به لحاظ زبانی از یکدیگر تفکیک پذیر بوده و در هر گروه نوعی یکدستی وجود داشته باشد. در حوزه‌ی واژگان، تصور می‌شود بهره‌گیری از روابطی همچون هم‌معنایی<sup>۲</sup> و تضاد معنایی<sup>۳</sup> بتواند به نویسنده کمک کند تا با استفاده از واژه‌های آشنا به معرفی واژه‌های ناشناخته بپردازد؛ از این‌رو، احتمال می‌رود روابط مترادف و تضاد در داستان‌های رده‌ی سنی پایین‌تر کاربرد بیشتری داشته باشند. همچنین تصور می‌شود به دلیل تمایل برای استفاده از واژه‌های آشنا، تکرار واژه<sup>۴</sup> به میزانی شایان توجه در متون داستانی گروه‌های سنی پایین‌تر به کار برود. این تحقیق با هدف شناسایی کاربرد روابط واژگانی در انتقال معنا، به بررسی و تحلیل انواع روابطی می‌پردازد که نویسندگان کودک و نوجوان ایرانی برای نگارش داستان‌های کودکان

1. Readability  
2. Synonymy  
3. Antonymy  
4. Reiteration

دبستانی گروه «الف» و «ب» از آن‌ها بیشترین بهره را برده‌اند. به این منظور، ده کتاب داستان به‌عنوان نمونه‌ای از داستان‌های هر دو گروه سنی (از هر گروه پنج کتاب) به‌صورت تصادفی، انتخاب و انواع روابط واژگانی آن‌ها بررسی شده است.

## ۲. اصول نظری

ابزار تشخیص متن از غیرمتن، به‌ویژه متن نوشتاری، داشتن انسجام<sup>۱</sup> است. هیلیدی و حسن<sup>۲</sup> انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد. در این دیدگاه، وجود انسجام متنی منوط به تعبیر و تفسیر عناصری در متن است که به تعبیر و تفسیر عناصر دیگر وابسته باشند (نک: هیلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). از نظر آن‌ها، انسجام، جزئی از نظام زبان است؛ بنابراین به‌عنوان یک ارتباط معنایی توسط عواملی شناخته می‌شود که یا ماهیت واژگی دارند یا دستوری‌اند. ابزارهای انسجام‌آفرین متن از نظر هیلیدی و حسن در زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: دستوری<sup>۳</sup> و پیوندی<sup>۴</sup> و واژگانی<sup>۵</sup>. منظور از ابزارهای واژگانی ایجاد انسجام در این نظریه، دو فرآیند تکرار و باهم‌آیی<sup>۶</sup> بوده است. آن‌ها در تکمیل نظریه‌ی خود، فرآیندهای دیگری همچون همچون هم‌معنایی، تضاد و جزء به کل<sup>۷</sup> را نیز به‌عنوان عوامل انسجام‌آفرینی معرفی کردند (نک: هیلیدی و حسن، ۱۹۸۵).

### ۲-۱. باهم‌آیی

پورتسیگ<sup>۸</sup> برای اولین بار مسئله‌ی باهم‌آیی واژگان را در نظریه‌ی حوزه‌های معنایی<sup>۹</sup> از دیدگاه همزمانی مطرح کرد. نظریه‌های حوزه‌های معنایی، به‌طور عمده، از آنچه که سوسور<sup>۱۰</sup> زیر عنوان ارزش مطرح می‌سازد، نشأت گرفته است. به اعتقاد سوسور ارزش یک واژه از ارتباطش با مجموعه‌ی واژگان یک زبان معلوم می‌شود؛ همان‌طور که یک

1. Cohesion  
 2. Halliday & Hassan  
 3. Grammatical cohesion  
 4. Conjunction  
 5. Lexical cohesion  
 6. Collocation  
 7. Meronymy  
 8. Porzig, W  
 9. Field Theory  
 10. F. De Saussure

مهره‌ی شطرنج نه به خاطر کیفیت ذاتی، بلکه به دلیل عملکردش در ارتباط با مهره‌های دیگر ارزش یک مهره‌ی شطرنج را داراست. به اعتقاد او، در یک حوزه‌ی معنایی، رابطه‌ای بنیادین میان واژه‌ها وجود دارد که به باهم‌آیی آن‌ها منجر می‌شود. پورتسیگ در این باره نمونه‌های زیادی را ذکر کرده است؛ به عنوان مثال، باهم‌آیی واژه‌ی «اسب» و «شیهه‌کشیدن» به دلیل ویژگی مشترکی است که این دو واژه را به هم پیوند می‌دهد. پورتسیگ دو نوع باهم‌آیی اسم با فعل و اسم با صفت را برشمرده است. در باهم‌آیی اسم با فعل، یک فعل از مؤلفه‌های معنایی خاص برخوردار است که از طریق اسم همنشین با آن القاء می‌شود؛ به عنوان مثال، فعلی مثل «شیهه‌کشیدن» از مؤلفه‌ی معنایی [+اسب] برخوردار است و به همین دلیل، می‌تواند تنها با «اسب» با هم‌آیی داشته باشد. در باهم‌آیی اسم با صفت نیز، یک صفت نسبت به یک اسم، بانشان تلقی می‌شود، مثل «لنگ» با «پا» (نک: پورتسیگ، ۱۹۳۴؛ به نقل از: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۹۶-۱۹۹). صفوی به انواعی دیگر از باهم‌آیی واژگانی مثل باهم‌آیی اسم با اسم، قید با فعل و فعل با فعل نیز اشاره می‌کند. در باهم‌آیی اسم با اسم، یک اسم، اسمی دیگر را به باهم‌آیی با خود می‌کشد مثل باهم‌آیی «فیل» با «خرطوم».

در باهم‌آیی قید با فعل نیز وقوع یک قید صرفاً در باهم‌آیی با فعلی خاص امکان‌پذیر است؛ به عنوان مثال، باهم‌آیی فعل «خندیدن» با «قاه‌قاه» است و باهم‌آیی فعل «نگاه‌کردن» با «چپ‌چپ». باهم‌آیی فعل با فعل، به باهم‌آیی افعال ردیفی<sup>۱</sup> در جمله می‌انجامد. مثل باهم‌آیی دو فعل «دویدنی» و «رفتن» در «بدو برو» (نک: صفوی، ۱۳۸۲: ۹-۷).

## ۲-۲. هم‌معنایی

هم‌معنایی از دیدگاه پالمر<sup>۲</sup> یعنی یکسانی معنی<sup>۳</sup>؛ اما او معتقد است به دلایل متعدد هم‌معنایی واقعی در میان واژه‌ها وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای دقیقاً دارای یک معنی نیستند. تعلق واژه‌های هم‌معنا به گونه‌های<sup>۴</sup> خاص زبانی، هم‌معنی بودن چند واژه در

1. Serial verbs  
2. Palmer, F.R.  
3. Sameness of meaning  
4. Dialect

سبک‌ها یا کاربردهای مختلف و متمایز بودن دو واژه‌ی هم‌معنی از نظر بار عاطفی، دلایلی هستند که هم‌معنایی مطلق را با تردید مواجه می‌کنند (نک: پالمر، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

### ۲-۳. تضاد معنایی

رابطه‌ی معنایی تضاد را سعید<sup>۱</sup> در اصطلاح سنتی، واژه‌هایی می‌داند که در معنا ضد یکدیگر باشند. این اصطلاح برای تعیین انواع متفاوت روابط معنایی به کار می‌رود که در زیر عنوان تقابل معنایی<sup>۲</sup> قرار می‌گیرند. تقابل انواع مختلفی دارد (نک: سعید، ۱۹۹۷: ۶۶-۶۷).

#### ۲-۳-۱. تقابل ساده

در تقابل ساده<sup>۳</sup> منفی کردن یک واژه به معنای واژه‌ی دیگر است و دو جفت واژه‌ای را که چنین رابطه‌ی معنایی بین آن‌ها حاکم باشد، جفت مکمل<sup>۴</sup> می‌نامند؛ به‌عنوان مثال، «مرده» در مقابل «زننده» از تقابل ساده برخوردار است و دو واژه‌ی «مرده/ زننده» یک جفت مکمل هستند.

#### ۲-۳-۲. تقابل مدرج

نوعی دیگر از تقابل که تقابل مدرج<sup>۵</sup> نامیده می‌شود، رابطه‌ای است که در آن منفی کردن یک واژه الزاماً به معنای واژه‌ی دیگر نیست؛ به‌عنوان مثال، رابطه‌ی بین دو واژه‌ی «پیر» و «جوان» در مقابل یکدیگر از تقابل مدرج و از درجاتی مثل خیلی پیر، پیر، جوان، خیلی جوان برخوردار هستند. این رابطه نوعاً بین صفت‌ها برقرار است.

#### ۲-۳-۳. تقابل وارونه<sup>۶</sup>

این تقابل بین واژگانی برقرار است که معنای حرکت را در خود دارند و یکی از آن‌ها حرکت در جهت دیگری را توصیف می‌کند؛ درحالی‌که دیگری توصیفگر حرکت در جهت مخالف آن است؛ به‌عنوان مثال، رابطه‌ی بین دو واژه‌ی «کشیدن» و «هل دادن» یا «آمدن» و «رفتن» دارای تقابل وارونه است.

1. Saeed, J.I

2. Semantic opposition

3. Simple Antonyms

4. Complementary pairs

5. Gradeable Antonymy

6. Reverse

۲-۳-۴. تباین معنایی<sup>۱</sup>

این نوع تقابل نیز میان مفهوم چند واژه در یک حوزه‌ی معنایی پدید می‌آید؛ مثل رابطه‌ی گروه‌هایی همچون: «شمال، جنوب، شرق، غرب».

## ۲-۴. عضوواژگی

سعید روابطی دیگر همچون عضوواژگی<sup>۲</sup> و جزء به کل را نیز تعریف کرده است (سعید، ۱۹۹۷: ۷۰ و ۷۱). در رابطه‌ی عضوواژگی، یک واژه عضوی از یک گروه محسوب می‌شود؛ بنابراین رابطه‌ی «درخت» با «جنگل» از نوع عضوواژگی است. رابطه‌ی جزءواژگی، رابطه‌ی کل به جزء را میان دو مفهوم نشان می‌دهد، مثل رابطه‌ی ماشین با در، پنجره، موتور، لاستیک و... (نک: صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). او رابطه‌ای دیگر را نیز با عنوان واحدواژگی<sup>۳</sup> برشمرده که در آن یک واژه به مثابه واحد شمارش برای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود؛ به‌عنوان مثال، رابطه‌ی «دسته/گل» از نوع واحدواژگی است.

## ۲-۵. شمول معنایی

رابطه‌ی معنایی دیگری که هنگام بررسی انسجام واژگانی در کانون توجه قرار می‌گیرد، شمول معنایی<sup>۴</sup> است که کریستال<sup>۵</sup> آن را بین واحدهای واژگانی عام و خاص برقرار می‌داند، به طوری که واژه‌ی عام دربرگیرنده‌ی واژه‌ی خاص باشد؛ برای نمونه، «گره» زیرشمول «حیوان» است. در رابطه‌ی شمول معنایی، یک واژه‌ی شامل<sup>۶</sup> وجود دارد که چند واژه‌ی زیرشمول<sup>۷</sup> را در برمی‌گیرد (نک: کریستال، ۱۹۸۰: ۱۶۸).

## ۲-۶. چندمعنایی و هم‌نامی

چندمعنایی نیز رابطه‌ای دیگر است که کریستال آن را به یک عنصر واژگانی با مجموعه‌ای از معناهای متفاوت، ولی نزدیک به هم تعبیر می‌کند (نک: همان: ۲۶۷).

1. Semantic contrast  
2. Member collection  
3. Portion-mass  
4. Hyponymy  
5. Crystal  
6. Superordinate  
7. Subordinate

لاینز<sup>۱</sup> نیز ضمن تعریف چندمعنایی به عنوان واژه‌ای با چند معنای متفاوت، بین هم‌نامی<sup>۲</sup> با این رابطه تمایز قائل می‌شود و هم‌نامی را رابطه‌ی بین دو واژه می‌داند که به یک صورت تلفظ می‌شوند، اما معنای آن‌ها از هم دورند (نک: لاینز، ۱۹۹۷: ۱۳).

### ۳. پیشنهادی تحقیق

در حوزه‌ی ادبیات کودکان، واژگان به کاررفته در متون از دیدگاه‌های متفاوتی مورد توجه بوده است. از تحقیقات انجام‌شده با موضوع واژگان به کاررفته در ادبیات کودکان فارسی زبان می‌توان به آفاگل زاده و رضوی زاده (۱۳۹۱) اشاره کرد. در این تحقیق به بررسی واژگان ۵۷ نمونه کتاب داستانی در گروه‌های سنی «الف»، «ب» و «ج» پرداخته شده است. از هر کتاب، پنجاه جمله‌ی اول آن انتخاب و واژگان به کاررفته در آن تحلیل و بررسی شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در گروه سنی «الف»، واژگان ساده و گفتاری نسبت به واژه‌های مرکب، کاربرد بیشتری دارند. در مقابل، در گروه سنی «ب» بسامد واژه‌های گفتاری از واژه‌های ساده و مرکب کمتر است و در گروه «ج» واژه‌ها و جمله‌های طولانی بسیاری به کار رفته است.

سیفی (۱۳۸۷) هم در تحقیقی که بر روی کتاب‌های کودکان انجام داده، داستان‌های متعلق به گروه‌های سنی «الف» و «الف و ب» را از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۷، از لحاظ دامنه‌ی واژگانی تحلیل کرده است. در این تحقیق بر مبنای دیدگاه ساختگرایی و کاربردگرایی به بررسی سبک کتاب‌های نوشته‌شده برای کودکان در دو گروه ذکر شده پرداخته شده است. طیبی (۱۳۸۲) برای شناسایی واژگان پایه، از دستاوردهای معناشناسی و رده‌شناسی زبان بهره گرفته و الگویی را ارائه کرده است. تحقیقات دیگر نیز با موضوع انواع روابط واژگانی در زبان فارسی، اما از دیدگاه‌هایی به جز ادبیات کودکان انجام شده است که در این تحقیق به آن‌ها استناد می‌شود. صفوی (۱۳۸۲) فرآیند باهم‌آیی واژگان در زبان فارسی را بررسی کرده و پناهی (۱۳۸۱) ضمن بررسی باهم‌آیی، ترکیبات هم‌آیند را در زبان فارسی برای تألیف فرهنگ‌های آموزشی از سه منظر معنایی، ساخت واژی و نحوی در کانون توجه قرار داده است. صفوی (۱۳۸۰) همچنین به بررسی مسئله‌ی چندمعنایی واژگانی پرداخته است.

<sup>۱</sup> Lyons

<sup>۲</sup> Homonymy

از مطالعات خارجی انجام شده بر روی روابط واژگانی می‌توان به پژوهش گائو و ژنگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) اشاره کرد که تضاد معنایی را در متون انگلیسی بررسی کرده‌اند. دوان و کوین<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) مسئله‌ی باهم‌آیی را در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی مطالعه کرده و باهم‌آیی را یک پدیده‌ی زبان‌شناختی جهانی و جنبه‌ای مهم در یادگیری لغت دانسته‌اند. گلین<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی مسئله‌ی هم‌معنایی، روابط واژگانی و ساختار دستوری را بررسی کرده است. در این تحقیق به روابط واژگانی و نقش آن‌ها در میزان دشواری متن پرداخته شده است.

ادموندز و هرتس<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) با رویکردی پیکره‌ای به بررسی رابطه‌ی هم‌معنایی واژگان در متون پرداخته‌اند. دانبر<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) نیز رابطه‌ی بین چندمعنایی و ابهام<sup>۶</sup> در متون را مطالعه کرده است.

#### ۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و داده‌های آن را روابط معنایی بین واژگانی تشکیل می‌دهند که در داستان‌های کودکان دو گروه سنی «الف» و «ب» به کار رفته‌اند. برای گردآوری داده‌ها با استفاده از روش تصادفی نظام‌مند ده کتاب داستان متعلق به هر دو گروه سنی مورد نظر، بررسی شده است. کتاب‌ها از مجموعه آثار دو ناشر معتبر انتخاب شدند که به صورت تخصصی در حوزه‌ی چاپ کتاب‌های کودکان فعالیت می‌کنند.

#### ۵. روابط واژگانی موجود در داستان‌ها

در این بخش، روابط واژگانی به کاررفته در داستان‌های نگارش یافته برای گروه‌های سنی گوناگون، به ترتیب، مشخص می‌شوند.

- 
1. Gao and Zheng
  2. Duan and Qin
  3. Glynn
  4. Edmond. and Hirst
  5. Dunbar
  6. Ambiguity



## ۵-۱. بررسی داستان‌های گروه سنی «الف»

جدول شماره ۱، مشخصات مربوط به پنج داستان گروه سنی «الف» را که در این پژوهش بررسی شده‌اند، نشان می‌دهد. این کتاب‌ها از مجموعه‌ی «قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی» انتخاب شده که در دوازده صفحه برای کودکان پیش‌دبستانی به نگارش درآمده‌اند.

جدول شماره ۱: مشخصات کتاب‌های بررسی شده در گروه سنی «الف»

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ	گروه
۱	آرزوی قشنگ	مهری ماهوتی	انتشارات مدرسه	چاپ سوم (۱۳۹۰)	الف
۲	فیل برقی	سوسن طاقدیس	انتشارات مدرسه	چاپ چهارم (۱۳۹۰)	الف
۳	مرغ افتاد و مرد؛ خروس غصه خورد	مصطفی رحماندوست	انتشارات مدرسه	چاپ چهارم (۱۳۹۱)	الف
۴	همسایه‌ها	مرجان کشاورزی آزاد	انتشارات مدرسه	چاپ سوم (۱۳۹۰)	الف
۵	دریاچه‌ی آبی‌رنگ	نوری ایجادی	انتشارات مدرسه	چاپ سوم (۱۳۹۱)	الف

۵-۱-۱. روابط معنایی که در کتاب *آرزوی قشنگ* به کار رفته، عبارتند از: باهم آیی (۱۲ مورد)، تضاد معنایی (۲ مورد) و جزء به کل (۱ مورد). در ۲۹ مورد نیز نویسنده از تکرار واژه استفاده کرده است:

- باهم آیی: بلند/ باریک و سوراخ/ ریز: «کلاه حصیری روی یک چوب بلند و باریک بود» (ماهوتی، ۱۳۹۰: ۳) و «... آفتاب از سوراخ‌های ریزش روی او می‌تابید» (همان: ۴)

- تضاد معنایی: بالا/ پایین: «از صبح تا شب به موج‌های بازیگوش نگاه می‌کرد که...» (همان: ۳) و «رقاصک نگاهی به بالا و پایین کرد» (همان: ۴).

- جزء به کل: موج/ دریا: «باد کلاه حصیری را توی دریا انداخت. موج‌های بازیگوش دور کلاه جمع شدند» (همان: ۸).

۵-۱-۲. روابط معنایی که در کتاب *فیل برقی* به کار رفته، عبارتند از: باهم آیی (۲۵ مورد)، شمول معنایی (۳ مورد)، تضاد معنایی (۳ مورد) و واحدواژگی (۱ مورد). در ۳۵ مورد نیز از تکرار استفاده شده است:

- باهم آیی: دراز/ باریک، صدا/ کلفت، عجیب/ غریب، داد/ فریاد، بچه/ کوچک و گرد/ خاک: «صندلی‌ها با پاهای دراز و باریکشان دویند» (طاقدیس، ۱۳۹۰: ۲)؛ «مبل صورتی با پاهای کوتاهش کمی عقب رفت و با صدای کلفتی پرسید: تو

دیگر چی هستی؟ چقدر عجیب و غریبی» (همان)؛ «با جیغ و ویغ و داد و فریاد شروع کردند به حرف زدن» (همان)؛ «تلویزیون گفت: شاید یک بچه فیل است که خوب غذا نخورده و کوچک مانده است» (همان: ۵) و «گرد و خاک روی مبل صورتی را می‌گرفت» (همان: ۱۰).

- شمول معنایی: خانه/اتاق: «آن را به خانه آورد و توی اتاق گذاشت» (همان: ۲).

- تضاد معنایی: بالا/پایین، خنده/گریه و بزرگ/کوچک: «بالشتک‌ها از روی مبل سرک می‌کشیدند، بالا و پایین می‌پریدند» (همان)؛ و «...یا همه به جاروبرقی خندیدند. جاروبرقی گریه‌اش گرفت» (همان: ۵) و «یکی از صندلی‌ها گفت: فیل‌های کانال دو خیلی بزرگ‌اند؛ ولی این خیلی کوچک است» (همان).

- واحدواژگی: گلدان/گل: «یک گلدان پر از گل را هورت کشید» (همان: ۸).

- تکرار جمله‌ی کامل: «بالشتک‌ها باز روی مبل صورتی بالا و پایین پریدند و چند بار فریاد کشیدند: دماغش را ببینید. دماغش را ببینید. چقدر خنده‌دار است» (همان: ۵).

۵- ۱- ۳. روابط معنایی که در کتاب مرغ/افتاد و مرد؛ خروس غصه خورد به کار رفته، عبارتند از: باهم‌آیی (۲۹ مورد)، تضاد معنایی (۵ مورد)، هم معنایی (۲ مورد) و واحدواژگی (۱ مورد). ۷۳ مورد تکرار هم دیده می‌شود:

- باهم‌آیی: بال/پر، تاج/سر: «خروسی کاکل زری، تاج سرخی به سرش، صاحب بال و پری» (رحماندوست، ۱۳۹۱: ۲).

- تضاد معنایی: ریزه/درشت: «همه‌ی نان‌ریزه‌ها ریزه نبود. تکه‌ای نان درشت را بلعید» (همان: ۳).

- هم معنایی: پشت/کمر: «دوسه‌بار زد به پشت و کمرش» (همان: ۸ و ۷).

- واحدواژگی: دسته/گل: «مرغی مثل دسته گل، زیبا و تپل» (همان: ۲).

۵- ۱- ۴. روابط معنایی که در کتاب همسایه‌ها به کار رفته، عبارتند از: باهم‌آیی (۱۵ مورد)، تضاد معنایی (۴ مورد) و واحدواژگی (۲ مورد)، ۶۰ مورد تکرار هم در این داستان وجود دارد. مثال:

- **باهم آبی و تکرار:** جارو/تمیز کردن: «هر روز صبح خیلی زود مورچه از خواب بیدار می‌شد. جارو را برمی‌داشت و خانه‌اش را تمیز تمیز می‌کرد» (کشاورزی آزاد، ۱۳۹۰: ۴)

- **تضاد معنایی:** بالا/پایین و کوچک‌تر و بزرگ‌تر: «موشی هم عصبانی می‌شد و با داد و بیداد جارو را برمی‌داشت، بالا و پایین خانه‌اش را تمیز می‌کرد» (همان: ۴) و «کوچیک کوچک، کمی بزرگ‌تر، بزرگ‌تر و سطل خانم بزی» (همان: ۸).

- **واحدواژگی:** استکان/چای: «خرگوش خانم خانه را تمیز کرده بود و با خیال راحت نشسته بود تا یک استکان چای بخورد که...» (همان: ۶).

۵- ۱- ۵. روابط معنایی که در کتاب دریاچه‌ی آبی‌رنگ به کار رفته، عبارتند از: باهم آبی (۱۶ مورد)، تضاد معنایی (۲ مورد)، واحدواژگی (۱ مورد) و هم‌معنایی (۱ مورد). در این داستان، نویسنده ۶۵ بار از تکرار واژه‌ها استفاده کرده است:

- **باهم آبی:** آه/ ناله، ابر/ آسمان و دندان/ تیز/ جویدن: «آه و ناله‌ی دریاچه به آسمان بلند بود» (ایجاد، ۱۳۹۱: ۴)؛ «... چون خانه‌ی ابر در آسمان بود» (همان: ۶) و «موش با دندان‌های تیزش هویج را جوید» (همان: ۸).

- **تضاد معنایی و تکرار:** رسیدن/ نرسیدن: «بعد هم دوید و دوید تا به ابر سفید برسد؛ اما نرسید» (همان: ۶).

- **واحدواژگی:** قطره/ باران: «با قطره‌های باران، رود بزرگ پر آب شد» (همان: ۱۰).  
- **هم‌معنایی:** خشک/ بی‌آب: «رود بزرگ خشک و بی‌آب بود» (همان: ۴).

همچنین در جمله‌هایی مانند «قورباغه تند و تند از پله‌های نردبان بالا رفت و ابر سفید بارید و بارید» (همان: ۸) و «حالش خوب خوب شد» (همان: ۱۰)، مواردی از تکرار وجود دارد که بیشتر با هدف تأکید بر یک ویژگی به کار رفته‌اند؛ اما در بیشتر نمونه‌ها، تکرار اسم‌ها با هدف استفاده‌نکردن از ضمائر بوده است. از آنجاکه تشخیص مرجع ضمائر، به‌خصوص در جمله‌های طولانی یا چند جمله پشت‌سرهم برای کودکان دشوار است، نویسندگان کتاب‌های کودک به جای ضمیر، بیشتر از تکرار استفاده می‌کنند تا متون داستانی ضمن برخورداری از انسجام، برای کودکان قابل فهم باشند؛ به‌عنوان مثال، در جمله‌های زیر به جای استفاده از ضمیر، واژه تکرار شده است: «دریاچه گفت: 'رود بزرگ هر روز برای من آب می‌آورد'... قورباغه گفت: 'من به

سراغ رود بزرگ می‌روم. 'قورباغه گفت: 'من باید به خانه‌ی ابر سفید بروم؛ اما نمی‌توانم. 'موش گفت: 'خانه‌ی ابر سفید آن بالاست' (همان: ۴-۶).

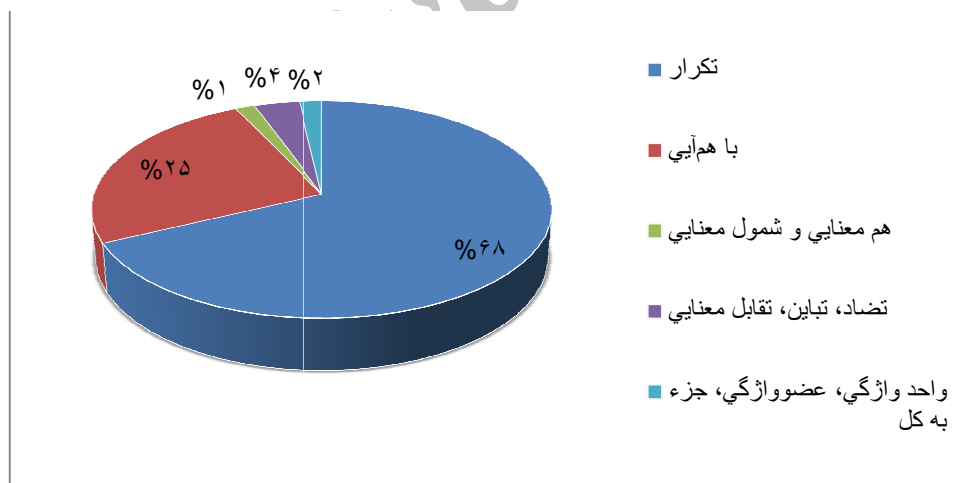
جدول شماره‌ی ۲ بسامد رخداد روابط معنایی را در داستان‌های گروه «الف» نشان

می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۲: بسامد رخداد روابط معنایی بین واژه‌ها در داستان‌های گروه سنی «الف»

واحدواژگی	جزءواژگی	شمول معنایی	تضاد معنایی	هم معنایی	بامعنی	تکرار	کتاب / رابطه‌ی معنایی بین واژگان
-	۱	-	۲	-	۱۲	۲۹	آرزوی قشنگ
۱	-	۳	۱	-	۲۵	۳۵	قیل برقی
۲	-	-	۵	۲	۲۹	۷۳	مرغ افتاد و مرد؛ خروس غصه خورد
۲	-	-	۴	-	۱۵	۶۰	همسایه‌ها
۱	-	-	۲	۱	۱۶	۶۵	دریاچه‌ی آبی‌رنگ

نمودار شماره‌ی ۱، درصد رخداد هر یک از این روابط را نشان می‌دهد:



نمودار شماره‌ی ۱: درصد رخداد روابط واژگانی در کتاب‌های گروه سنی «الف»

## ۵-۲. بررسی داستان‌های گروه سنی «ب»

مشخصات مربوط به پنج داستان گروه سنی «ب» در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. همه‌ی این کتاب‌ها به جز نماز فرشته که کتابی مستقل بوده، به ترتیب از بین مجموعه داستان‌های «قصه‌های شیرین قرآن»، «خدای خوب من»، «نکته‌ها و قصه‌ها» و «داستان‌های مهربانی» انتخاب شده‌اند. نکته‌ی شایان توجه این است که در کتاب‌های بررسی شده، مرزبندی دقیقی بین گروه‌های سنی وجود نداشت. اگرچه برای تعیین گروه سنی کودکان بین صاحب‌نظران نیز اتفاق نظر وجود ندارد، آنچه بدیهی می‌نماید این است که به دلیل مسائل شناختی، بین دایره‌ی واژگانی کودکان در سال‌های مختلف تحصیلی، تفاوت وجود دارد؛ بنابراین گروه‌بندی کتاب‌ها به صورت «الف و ب» یا «ب و ج» از نظر علمی صحیح به نظر نمی‌رسد و لازم است گروه‌بندی‌های مشخص‌تری برای هر یک از گروه‌های سنی در شناسنامه‌ی کتاب‌ها ذکر شود.

جدول شماره ۳: مشخصات کتاب‌های گروه سنی «ب»

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ	گروه
۱	نهنگ یونس	مهری ماهوتی	انتشارات مدرسه	چاپ اول (۱۳۹۱)	ب و ج
۲	هر چی که دارم از توست	سیدمحمد مهاجرانی	انتشارات مدرسه	چاپ اول (۱۳۹۲)	ب و ج
۳	راز آبگیر	سرور پویا	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ دهم (۱۳۹۳)	ب و ج
۴	نماز فرشته	نورا حق پرست	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	چاپ هشتم (۱۳۹۳)	ب
۵	کوچولوی مهربان	پروین علی‌پور	انتشارات مدرسه	چاپ اول (۱۳۹۱)	ب

انواع روابط واژگانی به کاررفته در این کتاب‌ها به شرح زیر است:

۵-۲-۱. روابط معنایی که در کتاب نهنگ یونس به کار رفته، عبارتند از: باهم آیی (۹۲ مورد)، هم‌معنایی (۶ مورد)، تضاد معنایی (۴ مورد)، جزءواژگی (۱ مورد) و شمول معنایی (۱ مورد). در این کتاب، ۸۲ مورد تکرار نیز دیده می‌شود:

- باهم آیی: ماه/ آسمان، رعد/ برق و زمستان/ سرد/ سرما/ یخبستن: «ماه، آسمان را روشن کرده بود» (ماهوتی، ۱۳۹۱: ۲)؛ «رعد و برق سینه‌ی آسمان را می‌شکافت» (همان: ۴) و «روزهای سرد زمستان که سرما بیداد می‌کرد و سطح اقیانوس یخ می‌بست دیگر کسی حوصله‌ی بازی کردن نداشت» (همان: ۱۰).

- شمول معنایی و عضوواژگی: میش / گوسفند، گله / گوسفند، بز و میش: «مردم هر روز گله‌هایشان را به چرا می‌بردند و سال به سال، بزها و میش‌ها و گوسفندهایشان زیادتر می‌شد» (همان: ۵).

- هم‌معنایی: خوشبختی / سعادت و شرمندگی / پشیمانی: «ای مردم، دست از کارهای زشت بردارید و دستورهای خدا را اطاعت کنید تا خوشبختی و سعادت نصیب شما شود!» (همان: ۶) و «حالا اظهار شرمندگی و پشیمانی می‌کردند» (همان: ۱۲).

- تضاد معنایی: زن/مرد؛ زمین / آسمان: «صدای شیون و زاری زن‌ها و گریه‌ی مردها بلند شد (همان: ۸) و «باد و طوفان، زمین و آسمان را در هم می‌پیچید» (همان: ۱۱). همچنین، خرید/فروش در جمله‌ی «همه جا شلوغ بود و جمعیت مشغول خرید و فروش بودند.» (همان: ۱۲) دارای رابطه‌ی تقابلی وارونه‌اند که تحت عنوان کلی رابطه‌ی تضاد قرار می‌گیرند.

۵-۲-۲. روابط معنایی که در کتاب راز/آبگیر به کار رفته، عبارتند از: باهم‌آیی (۱۰) مورد، عضوواژگی (۴ مورد) و تضاد معنایی (۱ مورد). نویسنده‌ی این داستان ۵۲ بار از تکرار واژه‌ها استفاده کرده است. مثال:

- باهم‌آیی: خورشید/آسمان، داد/فریاد و ترس/لرز: «خورشید از وسط آسمان به حیوانات جنگل می‌خندید» (پویا، ۱۳۹۳: ۱)؛ «داد و فریاد جوجه‌تیغی، فیل کوچولو را خیلی ترساند» (همان: ۴) و «فیل کوچولو با ترس و لرز زیرچشمی به خرطومش... نگاه کرد و صدای ناله‌اش بلند شد» (همان).

- عضوواژگی: جوجه‌تیغی/تیغ: «جوجه‌تیغی هم کنار آبگیر ایستاده بود و توی آب به تیغ‌های بلند و قشنگش نگاه می‌کرد» (همان).

- تضاد معنایی: بود/ نبود: «یکی بود یکی نبود» (همان: ۱).

- تکرار واژه: «فیل کوچولو آن قدر دوید و دوید تا حسابی خسته و تشنه شد» (همان: ۴).

۵-۲-۳. روابط معنایی که در کتاب هر چی که دارم/از توست به کار رفته، عبارت است از باهم‌آیی (۲۴ مورد). در این داستان ۵۰ بار نیز از تکرار استفاده شده است. مثال:

- باهم آیی: کلوچه / شیرین / خوشمزه و گل / سبزه / شکوفه: «به به، چه کلوچه‌ای! چه قدر شیرین و تازه و خوشمزه است» (مهاجرانی، ۱۳۹۲: ۶) و «بوی گل و سبزه و شکوفه همه‌جا پیچیده است» (همان: ۱۵).

۵-۲-۴. انواع روابط معنایی که در کتاب نماز فرشته به کار رفته، از این قرارند: باهم آیی (۲۳ مورد)، تضاد معنایی (۵ مورد: ۲ مورد تباین معنایی، ۲ مورد تقابل وارونه و ۱ مورد تضاد معنایی). در این اثر ۱۱۲ مورد تکرار هم وجود دارد. مثال:

- باهم آیی: قوم / خویش، حرم / زیارت کردن و نماز ظهر / نماز عصر: «همه‌ی قوم و خویش‌ها آنجا بودند.» (حق پرست، ۱۳۹۳: ۴) و «مادر به پدر گفت: خوب است همین حالا به حرم برویم.» پدر گفت: «بله، هم زیارت می‌کنیم و هم نماز ظهر و عصر را می‌خوانیم.» (همان: ۳۲).

- تباین معنایی: خاله / عمه / دایی / عمو: «همه‌ی قوم و خویش‌ها آنجا بودند. خاله، عمه، دایی و عمو» (همان: ۴).

- تقابل معنایی: رفت / برگشت و رفت / آمد: «بعد به آشپزخانه رفت و با دو بشقاب و یک سبد میوه برگشت» (همان: ۱۹) و «بوی خوش گلاب همه جا پخش شده بود و عده‌ی زیادی از مردم در رفت و آمد بودند» (همان: ۳۲).

- تضاد معنایی: خیس / خشک: «اگر پای کسی خیس باشد و مسح پا را روی همان پای خیس بکشد، وضویش باطل است. مسح پا را باید روی پای خشک کشید» (همان: ۱۹).

۵-۲-۵. روابط معنایی که در کتاب کوچولوی مهربان به کار رفته، عبارتند از: باهم آیی (۱۶ مورد)، تضاد معنایی (۵ مورد: ۱ مورد تقابل وارونه، ۴ مورد تقابل مدرج) و ۱۳۲ مورد تکرار. مثال:

- باهم آیی: بال / پرواز: «بال‌هایش را تکانی داد و پرواز کرد» (علی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰).  
- تقابل وارونه: آمدن / رفتن: «چون من آنقدر کوچکم که هیچ کس حتی متوجه آمدن و رفتنم نمی‌شود» (همان: ۱۲).

- تضاد معنایی: ریز / درشت، باز / بسته و کوچک / بزرگ: «به ماهی‌های ریز و درشت رودخانه نگاهی کرد (همان: ۵)؛ «سنجاقک کوچولو چند بار چشم‌هایش را باز و بسته کرد» (همان: ۱۴) و «خودم دیده‌ام که بعضی ماهی‌ها از من کوچک‌ترند

و بعضی‌ها هم خیلی خیلی بزرگ‌ترند» (همان: ۶). در این جمله، قید خیلی دوبار تکرار شده تا بر مفهوم بزرگ‌تر تاکید کند. در جمله‌هایی مانند: «دلم می‌خواهد یک سنجاقک بزرگ بزرگ بزرگ بشوم» (همان) یا «سیر سیر که شد...» (همان: ۱۰) نیز نمونه‌هایی از تکرار قید وجود دارد.

جدول شماره ۳ بسامد رخداد روابط معنایی در هر یک از داستان‌های گروه «ب»

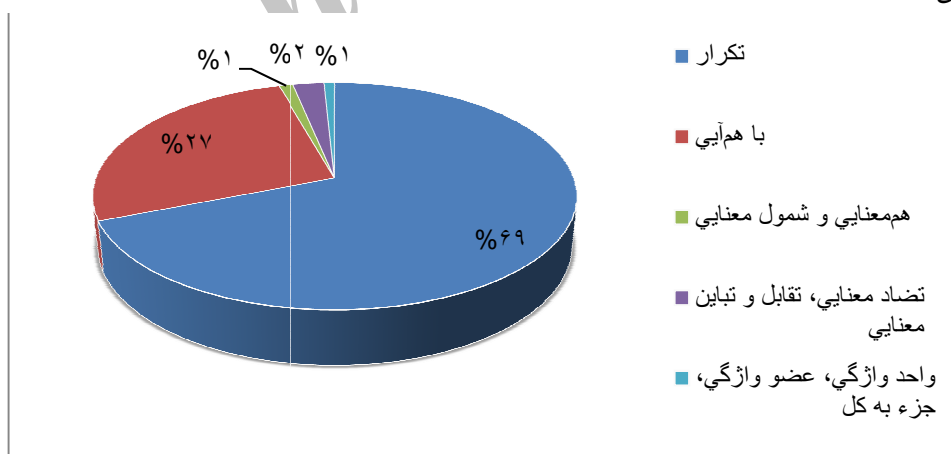
را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: بسامد رخداد روابط معنایی بین واژه‌ها در داستان‌های گروه سنی «ب»

عضو واژگانی	واژه واژگانی	شماره معنایی	تضاد معنایی		تکرار	هم‌معنایی	تجانس	کتاب / رابطه‌ی واژگانی
			تقابل	تباین				
۲	۱	۱	۴	-	۶	۹۲	۸۲	نهنگ یونس
۲	-	-	۱	-	-	۱۰	۵۲	راز آنگیر
-	-	-	-	-	-	۲۴	۵۰	هر چی که دارم از توست
-	-	-	۳	۲	-	۲۳	۱۱۲	نماز فرشته
-	-	-	۵	-	-	۱۶	۱۳۲	کوچولوی مهربان

نمودار شماره ۲ درصد رخداد هر یک از روابط واژگانی را در این کتاب‌ها نشان

می‌دهد:



نمودار شماره ۲: درصد رخداد روابط واژگانی در کتاب‌های گروه سنی «الف»



## ۶. بحث و بررسی

## ۶-۱. تحلیل کتاب‌های گروه سنی «الف»

همان‌گونه که جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱ نشان می‌دهند، ویژگی مشترک تمامی کتاب‌های گروه سنی «الف» بهره‌گیری زیاد از تکرار واژه‌های آشنا بوده است. تکرار اسامی شخصیت‌های داستانی و توصیفاتی که برای فضا سازی در روایت‌ها به کار می‌روند امری طبیعی و در راستای انسجام متن است؛ اما این موضوع را می‌توان از جنبه‌های ارتباطی و آموزشی نیز تحلیل کرد؛ نویسندگان برای برقراری ارتباط و انتقال معنا به مخاطبان کودک که احتمال می‌رود در یافتن مرجع ضمیر یا فهم واژه‌های جدید با مشکل مواجه باشند، جانب احتیاط را رعایت کرده و به جای استفاده از ضمیر یا واژه‌های جدید، بیشتر از تکرار کردن واژه‌های آشنا بهره می‌برند. علاوه بر این، در بسیاری مواقع، از تکرار قید یا صفت برای تأکید بر ویژگی‌های افعال یا اسامی نیز استفاده شده است. با وجود این، نباید نادیده گرفت که تکرار، در آموزش واژگان جدید نیز نقشی مهم دارد و در مواردی، نویسندگان با اهداف آموزشی یک واژه را در متن بارها به کار برده‌اند؛ همچنین، نویسندگان کتاب‌های گروه «الف» از واژه‌های هم‌آیند بسیار بهره برده‌اند و با ایجاد موقعیت‌هایی که در آن‌ها کودک بتواند از بافت زبانی برای حدس زدن معنای واژه‌های ناآشنا استفاده کند، زمینه‌ی آموزش واژه‌های جدید را فراهم کرده‌اند. نکته‌ی درخور توجه دیگر این است که نویسندگان کتاب‌های بررسی‌شده، رابطه‌ی تقابل بین دو واژه را به رابطه‌ی تشابه ترجیح داده و از واژه‌های متضاد بیش از واژه‌های هم‌معنا استفاده کرده‌اند. این وضعیت را می‌توان بیشتر به دلایل روان‌شناختی تعبیر کرد؛ زیرا به لحاظ ملاحظات آموزشی، استفاده از رابطه‌ی تشابه برای معرفی مفاهیم جدید منطقی‌تر به نظر می‌رسد. باین‌حال، از بعد روان‌شناختی، این احتمال وجود دارد که بیان دو واژه‌ی هم‌معنا کودک را دچار سردرگمی و بدفهمی کند و باعث شود که قادر به تشخیص موقعیت مناسب استفاده از هر یک نباشد؛ درحالی‌که بیان دو واژه‌ی متضاد که در دو بافت متفاوت به کار می‌روند، این احتمال کمتر می‌شود. در این کتاب‌ها، وجود برخی واژه‌ها و ترکیبات نامناسب یا ناصحیح نیز جلب توجه می‌کند که به‌طور جداگانه، بررسی خواهند شد: در کتاب *آرزوی قشنگ* از اسم «رقاصک» و صورت‌های «چرخاندن/ غلتاندن» برای فعل‌ها استفاده شده است که برای این گروه سنی مناسب به نظر نمی‌رسند (نک: ماهوتی، ۱۳۹۰: ۴ و ۶). همچنین در جمله‌ی «...دنبال هم می‌دویدند

و فهقه می‌خندیدند» (همان: ۱). نویسنده به جای «قاه‌خندیدن»، از ترکیبی نادرست استفاده کرده است. در داستان *فیل برقی* از صورت عامیانه‌ی «هورت‌کشیدن» استفاده شده که درک آن برای کودک دشوار است (نک: طاق‌دیس، ۱۳۹۰: ۷). در داستان *مرغ افتاد و مرد؛ خروس غصه خورد* نیز برخی از ترکیبات، اصطلاحات و واژه‌ها به متن لطمه زده‌اند؛ به‌عنوان مثال، ترکیب اسمی «ماست به رو» (نک: رحماندوست، ۱۳۹۱: ۸)، ترکیبات فعلی «چرت ... پاره‌کردن» (ص ۳)، «راه ... را بستن» (ص ۴)، «خاک بر سر ... پاشیدن» (ص ۴)، «خاک به سر شدن» (ص ۵) و استفاده از افعالی مانند «بلعیدن» (ص ۳) و «درآمیختن» (ص ۷) یا اصطلاحات «از هول حلیم توی دیگ افتادن» (ص ۳)، «گوش فلک را کر کردن» (ص ۴) و لغات مهجوری همچون «قدح» (ص ۸) برای گروه سنی «الف» مناسب به نظر نمی‌رسد. برخی عبارت‌های فعلی مثل «افتادن پرده از صورت» در جمله‌ی «صبح شد، پرده از صورت خورشید افتاد» (ص ۲) نیز از این نمونه‌هاست. در داستان *همسایه‌ها* که قصد دارد مفاهیم «توی / بیرون» و «کوچک‌تر / بزرگ‌تر» را آموزش بدهد، نویسنده از جمله‌ی «...گوشه‌ی حیاط چهار تا سطل بود. کوچیک کوچیک، کمی بزرگ‌تر، بزرگ‌تر و...» (کشاورزی آزاد، ۱۳۹۰: ۱۰) استفاده کرده که مفهوم مورد نظر را پیچیده و مبهم می‌کند.

## ۶-۲. تحلیل کتاب‌های گروه سنی «ب»

بررسی جدول شماره‌ی ۳ و نمودار شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد که در مجموع، کتاب‌های گروه سنی «ب» به لحاظ بهره‌گیری از روابط معنایی بین واژگان همانند کتاب‌های گروه «الف» اند. با توجه به گسترده‌تر بودن دایره‌ی واژگانی کودکان گروه سنی «ب»، بهره‌گیری زیاد از تکرار برای برقراری ارتباط، ضروری به نظر نمی‌رسد؛ از این رو، تکرار واژه‌ها را بیشتر با اهداف انسجامی و آموزشی باید دانست؛ به‌گونه‌ای که نویسندگان داستان‌های این گروه سنی با تکرار واژه‌ها قصد دارند ضمن برقراری انسجام درون متن، مفاهیم جدید یا بااهمیت را نیز در ذهن مخاطبان خود ماندگار کنند؛ همچنین، در کتاب‌های این گروه سنی، باهم‌آیی واژگان بسیار کاربرد داشته است؛ به‌عبارت‌دیگر، نویسندگان، آگاهانه، واژه‌های متعلق به یک حوزه‌ی معنایی را در قالب روایت که برای کودکان جذابیت دارد، به آن‌ها آموزش داده‌اند. نویسندگان کتاب‌های گروه «ب» نیز تمایل بیشتری به استفاده از رابطه‌ی تقابل داشته‌اند؛ اما از انواع تقابل همچون تقابل‌های

وارونه، تقابل مدرج که برای مقایسه به کار می‌رود و تباین، برای بیان روابط معنایی پیچیده تر بهره برده‌اند. در کتاب‌های این گروه نیز وجود برخی اصطلاحات و واژه‌های دشوار، نامناسب به نظر می‌رسید؛ به‌عنوان مثال، در داستان *راز آبگیر* یک موضوع علمی با زبانی ساده و کلمات و ترکیب‌هایی شفاف بیان شده بود و واژه‌های انتخاب‌شده، علی‌رغم گروه‌بندی کتاب در گروه سنی «ب»، منطبق با واژگان پایه‌ی گروه سنی «الف» بودند. در داستان *کوچولوی مهربان* نیز نویسنده برای معرفی «هلی‌کوپتر» از واژه‌ی «هوایمای چهارپاله» استفاده کرده که به آن هم مقید نبوده و در جاهای دیگر «هوایما» را جایگزین آن کرده است (نک: علی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۷).

#### ۷. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در هر دو گروه کتاب‌های بررسی شده، تکرار (۶۸/۵٪) و باهم‌آیی (۲۶٪) به‌عنوان روابط معنایی بین واژگان بیشترین کاربرد را داشته‌اند. این دو رابطه ضمن برقراری انسجام درون متن، توسط نویسندگان داستان‌های کودکان، آگاهانه، برای اهداف ارتباطی و آموزشی نیز به کار گرفته شده‌اند. انواع رابطه‌ی تقابل بین واژگان، به میزان محدودی (۶٪) در داده‌های بررسی شده وجود دارد که بیشتر به منظور آموزش مفاهیم مقایسه‌ای و واژه‌های جدید استفاده شده‌اند. برخلاف تصور اولیه، نویسندگان کودک تمایل زیادی به استفاده از رابطه‌ی مترادف در متون داستانی نداشته‌اند. رابطه‌های معنایی دیگر میان واژه‌ها، همچون هم‌نامی و چندمعنایی، نیز در این آثار کاربردی ندارند که به دلیل احتمال ایجاد ابهام و اختلال درک معنا توسط کودکان توجیه پذیر است؛ به بیان دیگر، نویسندگان از روابط معنایی بین واژگان برای تولید متون داستانی با قابلیت خواندن بالا و آموزش مفاهیم جدید بهره برده‌اند. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که علی‌رغم تفاوت در دایره‌ی واژگان کودکان گروه‌های «الف» و «ب»، داستان‌های نوشته‌شده برای آن‌ها به لحاظ انسجام واژگانی و ویژگی‌های مشترک بسیاری دارند و از نظر به‌کارگیری روابط معنایی بین واژگان تفاوت چندانی بینشان دیده نمی‌شود. احتمال دارد در متون داستانی گروه‌های سنی بالاتر، روابط معنایی متنوع‌تری بین واژگان به کار برود که نیازمند تحقیق در این زمینه است؛ همچنین، در مواردی کتاب‌ها دارای سطح‌بندی درستی نیستند و واژگان دشوار یا ترکیبات و اصطلاحات نامتناسب با گروه سنی ذکرشده در شناسنامه‌ی کتاب، در آن‌ها

وجود دارد. از آنجاکه این کتاب‌ها مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش بوده و می‌توانند به‌عنوان الگو برای سایر نویسندگان مورد استناد قرار بگیرند، پیشنهاد می‌شود در نگارش کتاب‌های بعدی به چنین مواردی توجه شود. نتایج این تحقیق برای نویسندگان و ویراستاران کتاب‌ها و مجلات کودکان قابل استفاده است و به شناخت بیشتر نسبت به آثار کودکان می‌انجامد.

### منابع

- آفاگل زاده، فردوس و اکرم رضوی زاده. (۱۳۹۱). «ویژگی‌های واژگانی ادبیات داستانی کودکان (گروه‌های سنی الف، ب، ج) در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی». مجموعه مقالات اولین همایش میان‌رشته‌ای آموزش و یادگیری زبان، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۳۰۱-۳۱۲.
- افراشی، آزیتا. (۱۳۷۸). «نگاهی به مسئله‌ی باهم‌آیی واژگان». متن‌پژوهی ادبی، ش ۷ و ۸، صص ۷۳-۸۲.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). «نگاهی به مسئله‌ی هم‌معنایی مطلق در سطح واژگان». نامه‌ی فرهنگ، ش ۳۴، ۱۶۶-۱۷۱.
- ایجادی، نوری. (۱۳۹۱). دریاچه‌ی آبی‌رنگ. تهران: مدرسه.
- پالمر، فرانک. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران: کتاب‌ماد.
- پناهی، ثریا. (۱۳۸۱). «فرآیند باهم‌آیی و ترکیبات باهم‌آیند در زبان فارسی». نامه‌ی فرهنگستان، ش ۳، صص ۱۹۹-۲۱۱.
- پویا، سرور. (۱۳۹۳). راز آبی‌گیر. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حق‌پرست، نورا. (۱۳۹۳). نماز فرشته. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۹۱). مرغ افتاد و مرد؛ خروس غصه خورد. تهران: مدرسه.
- سیدآبادی، علی اصغر. (۱۳۸۰) «ادبیات کودکان متوسط؛ تأملی در مبحث مخاطب‌شناسی ادبیات کودک و نوجوان». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، ش ۲۵، صص ۱۱-۲۰.
- سیفی، بهاره. (۱۳۸۷). «بررسی دامنه‌ی واژگانی کتاب‌های کودک از سال ۱۳۰۰ تا کنون (گروه سنی الف و ب)». کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۱۲۸ و ۱۲۹، صص ۳۱-۴۳.

- صفوی، کورش. (۱۳۸۰). «نگاهی تازه به مسئله‌ی چندمعنایی واژگانی». نامه‌ی فرهنگستان، ش ۱۸، صص ۵۰-۶۷.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). «پژوهشی درباره‌ی باهم‌آیی واژگانی در زبان فارسی». متن پژوهی ادبی، ش ۱۸، صص ۲۷۶-۲۸۸.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). درآمدهای بر معنی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طاق‌دیس، سوسن. (۱۳۹۰). فیل برقی. تهران: مدرسه.
- طیبی، اکرم. (۱۳۸۲). «شناسنامه‌ای برای واژه‌ها». نوآوری‌های آموزشی، ش ۴، صص ۶۵-۷۲.
- کشاورزی آزاد، مرجان. (۱۳۹۰). همسایه‌ها. تهران: انتشارات مدرسه.
- گندمکار، راحله. (۱۳۹۰). «رویکردی شناختی به مسئله‌ی هم‌معنایی بافتی در سطح افعال فارسی». پژوهش‌های زبانی، ش ۲، صص ۱۱۵-۱۲۵.
- علی‌پور، پروین. (۱۳۹۱). کوچولوی مهربان. تهران: مدرسه.
- ماهوتی، مهربی. (۱۳۹۰). آرزوی قشنگ. تهران: مدرسه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). نهنگ یونس. تهران: مدرسه.
- محمدی، محمد. (۱۳۷۸). «چهار محور سازنده‌ی متن ادبی کودکان». پژوهشنامه‌ی کودکان و نوجوانان، ش ۱۶، صص ۱۲-۱۷.
- مهاجرانی، سیدمحمد. (۱۳۹۲). هر چی که دارم از توست. تهران: مدرسه.
- Crystal, D. (1980). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics (3<sup>rd</sup> Edition)*. Blackwell Publishers, UK.
- Duan, M. & X. Qin. (2012). "Collocation in English Teaching and Learning". *Theory and Practice in Language Studies*, 2(9), pp1890-1894.
- Dunbar, G. (2001). "Toward a cognitive analysis of polysemy, ambiguity and vagueness". *Cognitive Linguistics*, 12, pp1-14.
- Edmonds P. & Hirst g. (2002). "Near-synonymy and lexical choice", *Computational Linguistic* 28 (2), pp105-144.
- Gao.Ch & Zheng, Q. (2014). "A Linguistic Study of Antonymy in English Texts". *Journal of Language Teaching and Research*, 5, pp234-238.
- Glynn, D. (2010). "Synonymy, Lexical Fields, and Grammatical Constructions; A study in usage-based Cognitive Semantics" in: *Cognitive Foundations of Linguistic Usage-Patterns*, H.J Schmid and S Handl (eds). Berline: Mouton de Gruyter. pp89-118.

Halliday, M.A.K. & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

\_\_\_\_\_ . (1985). *Language, Context and Text; Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective*. Deakin University Press.

Lyons, J. (1997). *Semantics*. Vols I & II. New York: Cambridge University.

Saeed, J. I. (1997). *Semantics*. Oxford: Blackwell Publishing UK.

Arhive of SID